

گوک کال و دمه روتو
(بره و گوساله)



مقدمه

در این نوع مقالات، من به طور همزمان از زبانهای کردی، فارسی و انگلیسی برای انتقال مفاهیم استفاده کرده‌ام. هدف از نگارش این مطالب به زبان فارسی، در غالب موارد، ارائه به مخاطب ایرانی است که زبان فارسی زبان مطالعه‌ی آنها است. البته من می‌دانم که ایران یک کشور چند زبانه است اما زبان رسمی مردم ایران فارسی است.

مخاطبان کردزبان در ایران هم بخشی از این موضوع هستند. اما کردهای عراق، ترکیه و سوریه می‌توانند با ترجمه‌گر اینترنتی این مطالب را ترجمه کنند. البته هر زمان فکر کنم که مطالب من گستره‌ی بیشتری از مخاطبان را پوشش دهد، از زبان انگلیسی استفاده خواهم کرد. اما در بسیاری موارد حس کرده‌ام که وابستگان رژیم حاکم بر ایران از این موضوع سوءاستفاده می‌کند و مطالب من را می‌خوانند و با ساخت برنامه‌های طالع‌بینی و پیشگویی و ستاره‌خوانی در صدد پخش مطالب دروغین و الکی برای فریب مردم ایران می‌کنند.

آنچه من درباره‌ی آن می‌بینم، این است که عوامل رژیم ایران اعم از فعالان سیاسی، فرهنگی، دینی در داخل و خارج از ایران اخیراً شروع به تبلیغ این ایده می‌کنند که قدرتهای بزرگ آمریکا و چین شروع به مذاکرات صلح کرده‌اند. آنها می‌خواهند جهان را در ماجرای جنگ روسیه-اوکراین و حماس-اسرائیل نگه دارند.

رژیم شیطان‌ی ایران با سرعت و شدت تمام در پی فرافکنی است. دامنه‌ی این نوع فعالیت هم در میان عده‌ی زیادی ورقخوان و تاروتخوان و انرژی‌خوان و ستاره‌بین و ستاره‌خوان در فضای مجازی باب شده است.

من دقت کرده‌ام هر وقت رژیم ایده‌ی تبلیغاتی جدیدی را اختراع می‌کند از طریق تمامی افرادی که در زمینه‌های مختلف فعالیت و ارتباط و مخاطب نسبتاً زیاد دارند پخش آن را آغاز می‌کند.

این اخبار جعلی هستند اما حتی اگر این اخبار تا دو روز هم افکار عمومی را مشغول کنند، زمان بسیار زیادی است برای مدیریت بحرانی که دارد رژیم را دچار چالشهای بسیار جدی می‌کند.

مثلا اگر دقت کرده باشید، تا اسرائیل فشار بیشتری برای نابودی حماس ایجاد می کند فشار رژیم ایران از نظر تبلیغاتی بیشتر و بیشتر می شود با این شعار که جنگ را متوقف کنید... نکته اینجا است که کسی نمی پرسد این جنگ اخیر چرا و چگونه و توسط چه کسی آغاز شد.

خوشبختانه نقابها هر روز بیشتر کنار می روند...

خواستم بگویم که متأسفانه مردمان بسیاری وارد بازی رژیم ایران شده اند .

مسئولیت رژیم پوتین و مقاصد نهان و آشکار رژیم چین و روئیاهای فلسطینی هر چه باشد، سالب مسئولیت رژیم ملاحی حاکم بر ایران نیست.

این رژیم قبل از هر چیز قاتل مردم ایران است. بنابراین تلاش برای حفظ آن جنایت علیه مردم ایران است. و من به عنوان یک ایرانی وظیفه دارم که با دشمن خود و مردمی یعنی با این رژیم و عوامل او دشمنی کنم و تا نابودی آنها پیش بروم.

روشن بگویم که افتخار داشتن بالاترین مقام معنوی در جهان با من است و این از سوی خدای خالق و ایزدان "گوری" و "مناخی" به من داده شده است. آنچه هزاران سال پیش درباره ی آن پیشگویی شده بود اکنون به واقعیت تبدیل شده است. این یک وظیفه ی بسیار مشکل و سنگین است زیرا من باید در تمامی عرصه ها با دشمنان "نظم کیهانی" بجنگم. روح خداوند و یاری ایزدان قدرتمند او با من است اما باید من بکوشم زمینه های ذهنی آن را در میان مردم ایجاد کنم زیرا اصولا این تلاشها برای نجات بشریت است .

اگر من و ایزدان و خدای خالق کوتاه بیایم انسان تا پایان جهان اسیر و برده ی عده ای قلیل از زامبیها) انسانهای تسخیر شده توسط نیروهای برهم زننده ی نظم کیهانی ازلی-ابدی) خواهند بود که در حقیقت مجری اوامر و اراده ی نیروهایی منفی و خیرنخواه هستند که می خواهند انسان کنونی فارغ از هدف، اراده و آرمان زندگی باشد.

آنچه مایه ی شادی و خوشبینی است دانش ناقص و برداشت اشتباهی این رمالان و جادوگران و منفی باfan از دانش کیهان شناسی است .

همانطور که گفتم کیهان شناسی مبتنی بر شناخت "نظم کیهانی" است .

تمامی تئوریهای اینها بر اساس تشریح موقعیت سیارات منظومه ی شمسی و صورتهای فلکی است... من دیده ام که آنها جایگاه واقعی سیارات را درست درک نکرده اند و از این رو آنها تئوریها و پیشبینیهای خود را بر این مبانی اشتباه گذاشته اند. از زمانی که من شروع به انتشار مقالات خود کرده ام

حسابهای آنها را به هم زده‌ام. آنها را در واقع در دام اشتباهات محاسباتی خودشان انداخته‌ام. آنها هر روز منتظر هستند تا من یک مقاله‌ی جدید منتشر کنم تا بر اساس آن بتوانند از تله‌های ناخواسته‌ی اشتباهاتی خود بیرون بیایند. اما هرگز این اتفاق نخواهد افتاد. زیرا اشتباهات آنها باعث رخدادهایی شده‌اند که عواقب آنها تا مدتهای مدید در جهان هستی فعال هستند...

شما فکر کنید که یک تخم مرغ فاسد را آبپز کرده باشید سپس آن را شکسته و پاک کرده‌اید و بوگند آن تمامی اتاقی را پر کرده باشد که پنجره و درب ندارد. شما موظف هستید که این بوی گند را به داخل تخم مرغ برگردانید... آیا می‌توانید؟ خیر! امکان ندارد پس باید برای از بین بردن آن یک ماده‌ی دیگر با یک بوی دیگر استفاده کنید. و می‌بینید که هر بار یک ماده با یک بوی تندتر و قویتر استفاده می‌کنید برای از بین بردن بوی قبلی اما امکان ندارد. در نهایت اتاق دچار خفقان می‌شود و شما و دیگرانی که در این اتاق هستید در دام این بوهای مختلف و مشمئز کننده افتاده‌اید و نابود می‌شوید. من آمده‌ام که دریچه را باز کنم تا هوای تازه وارد اتاق شود. این دریچه با سوراخ کردن بخشی از دیوار سقف ممکن است. از این دریچه، نور و هوا وارد می‌شود...

من از شما می‌خواهم به من بپیوندید تا سقف را بشکافیم و هوای تازه و نور را به این اتاق متعفن و بسته بیاوریم و زندگی خود و بقیه را نجات دهیم. خدا با ما است.

خدا با من است اما هر تغییر و تحولی به طریقه‌ی عمل کردن من بستگی دارد. خدا من را دوست دارد اما من را نازک نارنجی بار نیاورده است. او سالهای سال است که من را آبدیده می‌کند. من از کسانی که امید تغییر دارند می‌خواهم که نازک نارنجی و پرتوقع نباشید. بیشتر از آنکه سخن بگویید باید بیشتر بشنوید و بیشتر عمل کنید. سمبل کار و عمل، دستهای شما است. با یک دست جلو بروید و با دست دیگر موانع را مهار کنید. دشمن خود را بدبخت و بیچاره فرض نکنید.

دشمن بسیار موزی و خطرناک است. درست است که او پول دارد و باخرج کردن پول هر کاری برای پیشبرد اهداف خود می‌کند اما این را بدانید که او همیشه از شما بیمناک است زیرا می‌داند که پولهای او نمی‌تواند اراده‌ی شما را سست کند.

آزاد کریمی، ماشیخ سوشیانت

۱۳ نوامبر ۲۰۲۳، شرق نروژ

گۆک - کال



دووکەل، چالدو، کەلدو، گەردو، کال وانا کار، بەرخ... گۆک وانا گۆگ، کۆگا، کۆچەک، چەکە،
چەکو، بەچەک، بەچەکە، کەشۆک، شۆکە، گۆچە، شیرمخۆرە، نیشتووە لە سەر زەوی، کال یان کار
رەنگی سەوزی کالە، خاچ، کرچ، قۆچەک، دار لێی شین بوو. کارخۆک، کالخۆک، کارچۆک. کرچە،
چەکەرە، کوچورە، کوشورە، شوروکە، چوروخە، چەرخی... عدد یازدە... سوریگاش،
سوور، تنور خورشید، دود سرخ، دووکەلی سوور، جوانە ی گیاه، سیزینە.

دئەمەر - ئوتو



ئەمەردئوتو، مەردەئوتو، مەردوکه، مەردوخە، دومەرخە، دومەرگە، دومەرە، مارەدو، دومارە،
 دەمارە(شارەگ)، دووارە، دیوارە، رەوادى، داوهرى، داریوه، مەردای، گایمەر، جای مەر،خایوهر،
 ورخای، وەرخات، وەرگات، وەرجاد، پەرگات، پەرگار، پەرزەر، زەرگەر، گازەر، زەرگە... گوسالە ی
 زرین. تیشکی زیرین.

در متون سومری درباره‌ی او چنین نوشته شده است:

lu-ú ma-ru Šamši ša ilāni né-bu-ú šu-ma

پۆلەى (مەششى خاكى دوموزيد) ئىزه‌دانە، برووسكەى رووناكە. ..

او زاده از خاکستر ایزدان است، ایزد درخشنده.

این وصف ماردوخ پسر انكى است.

لقب ماردوخ، بەل، بەر، بار یا بەرنا و جوان است. بەرە بە معنای فرش خاکستر است که در زیر آن
 ژیلەمۆ یا پۆلو یا آخگر قرار دارد. ژیلەمۆ، موژیلی، موزیری، دوموزی و دوموزید ایزد نگهبان زمین
 است.

نازناوی ماردوخ بەل یا پال یان بەرە. بەر واتە فەرشی خۆلەمیش... ئەو خۆلەمیشەى وا ژیرکەى
 ژیلەمۆیە. ژیلەمۆ، شیلەمۆ، شیرەمۆ، مۆشیلی(پادشاه هیتی)، مولەشى، لەمۆشى، لەمۆزى،
 دەمۆزى(دوموزى).

بر یان ئهو كهسهی وا ئهبرئ. دهمار ئهبرئ. ئهوش نازناوی ماردوخه. لهبهز ئهوهی دهماری گای قوربانی بری.

بهز تجلی پویایی ذره ی آفرینش است و گوساله تجلی ایستایی ذره ی آفرینش.

بنابراین برخ دارای دو بار منفی و مثبت است. بار منفی الکترون و بار مثبت پروتون. و گوساله که ئیستا است دارای بار خنثی ی نوترون است.

گوساله ی ایستا و بره ی پویا تشکیل اتم می دهند. کدام اتم؟ هیدروژن... اولین عنصر در جدول تناوبی مندلیف در علم شیمی.

علامت بره پآله است که دارای دو ستون گۆچان ماه (دم عقرب در برج شیر: آتش، می، خون، روح، زندگی) و تیلاهی دهستنهوشان (دم گاو در برج جوزا: آب، نان، تن، جسم، فرهیی) نرگال است.

علامت گوساله حلقه است که به رنگ طلا است و علامت حلقه ی زرین دور خورشید است وقتی که سوریگاش بر خورشید است. سوریگاش قرص خورشید است. این حلقگی طلایی بر سنگ خرد پرتو می افکند و یک مثلث نورانی به نام پهریما (پهریوا، ماتهر، تهراوه، گهواره، مای دهره، برایمه، ئاورامه، مهر اوه، مهر اگه، گهمهرا، چه مرا، چراگه، چراغه، گهمره) ایجاد می کند که گوشه یا کۆش یا مثلث یا سه گوشه است. این سه گوشه تجلی پندار و کردار و گفتار نیک است. این سه در علامتهای دموار یا گاو یا دهری به ههشت، جۆزا یا خرداد و تنسر یا تیر قرار دارند. جالب است دوباره بگویم که این سه پند در گوهر (گاو تره، خاک- آب- نور) متجلی است. درخشندگی این سنگ سیاه همان گوهر است. زیرا این درخشندگی از خیس بودن این سنگ ناشی می شود. انعکاس آب در نور و آن خوشه یا تجلی روح در آب زندگی است که من درباره ی آن پیشتر نوشته ام.

علامت خوشه یا "حلول در خوش آب" یا "درخشش یک لحظه ای این سنگ" که در واقع از آب روی این سنگ است این حلقه ی درخشان است زیرا نماد حرکت است. این سنگ سیاه متحرک است و حرکت آن باعث چرخش آب روی آن می شود و این آب در لحظه ای خاص در تاریکی مطلق یک روشنایی از خود ساطع می کند. این روشنایی نماد تجلی روح است که ناشی از حرکت سنگ است. این حلقه ی درخشنده در علامت هومخشهتره (خشهتره اویرییه یا ارتخشیر، ئهترهخشین، زهرگهته، سهرداوه یا شهرپور) قرار دارد.

این علامت دم گاو که سه شاخه ی زرین است نماد کمند ایزد نرگال است که بر گردن سه گراز سفید، سیاه و سرخ او می باشد. انتهای این کمند به یک گره یا زنگ متصل است که بر گردن این سه گراز است. زنگ ندای درون و علامت سخن است.

پندار نیک یا راس مثلث در میانه ی دو پیکر قرار دارد. گفتار نیک در گاو یا دروازه ی بهشت و کردار نیک در تیر یا تنسر قرار دارد.

تهرتهن یا تهرتهنه لقب ماردوخ است زیرا او جرقه ای از سنگ بود که در آب قرار داشت.

تهرتهنه، تن تهره، تن پهره، پهرمجهن، پهرجهنه، تهرخهنه، ئهرخهنه، پهنجره، پهنجره، پهنگله، پهنگله، پهنگاله، پالهنکه، زالهنکه، زهنگاله یعنی ساق پای راست ماردوخ که به رنگ زرد است و بر پنجه ی سرخ قرار دارد. پالهنکه همان پاله یا ستون است که تعادل را میان زمین و ماه نگه می دارد. بر پاله یا پالهنکه که در ماه تنسر یا سرطان قرار دارد دو میوه ی انلیل یعنی نارامسین و نرگال قرار دارند. نارامسین برادر بزرگتر و نرگال برادر کوچکتر است. نارام سین نماد کوهان بزرگ شتر و نرگال نماد کوهان کوچک شتر است.

و "پنجه تن دهره" یا نور پنج تن، پهرپهنجه، تهرپهنجه، زهرپهنجه، که عبارت است از دست باز شده ی ماردوخ در وسط آن است نشان از دست نیرومند ایزد ماردوخ است که بر پشت "سور" ایزد نگهبان قرص خورشید قرار گرفت و او را بر خاک زد.

دست چپ ماردوخ در /علامت کماندار قرار دارد. ورمهر یا بهرگش یا ژوپیتتر حاکم بر این علامت است. در این علامت سر مارئهکرم که بر فراز گاواکرن نشسته قرار دارد. در این علامت زانوی گاو قربانی که کاپ یا گاپه گاوهچ قرار دارد که علامت تعادل است. در این علامت صورت فلکی شکار قرار دارد که شامل:

سر سگ (چرخ یا سولا که در پیشانی) و زبان او (مشتی در مهششی دو)، چشم او (ئشتهرخاس یا قول ئوستیر در چودهر)

و دو دست او (خورشید در بهرزه لا، ماه درنشیومر)

و طوق زرین او یا بارگه (ومردوزمر، دمورزمر، بهلتهزمر، کمر بند شکارچی) دارای سه ستاره ی منطبق بر اهرام سه گانه ی مصر هستند:

ئاخیت خوفو: دیاکو، پالهموان ئهگیت، ئهقیق قوچو، ئهگیت چوخوا، ئاقیق چوخوا، چوخابوکه، چوخابو
ئهگاگ، چوخابوگاگ، کهچوخوا، کهخوشه، کهشخه، قوچهکه، قوچهکه، پابین جا، بابینگان،

قوچو، کلامخود، کهوی نیشتوو، کهودو، گهودا، دو کبک، هرم وسطی بزرگترین، پآله دوکهو، ستون،
نطاق، ئهستیره‌ی کهسکه، قسکه در امتداد (چاقو، چهکو) ی کارد ماردوخ، در محل پایین گاو انکی

ورخافری: فهرم‌تیز، چاپریومر، وهریپهرچا، بهریومرچا، ئه‌ریومرچا، خاوریومر، فهرخه، فهرخاوه،
ومرداومر، بهرانهر، بهراومر، دفاع، ئاورپیهر، فهریتاومر، فهریومرتا، فهریپاوه، فهریپاپیت، پهرتاوی،
پهریومردا، پهردیومرا، وهردیوار، پشت دیوار، پشدر، پهردیومر، ئارتهش، برجوجه، هرم دومی و
پایینی، مانگ نشیومر، ئهستیره‌ی وهرجاوه (نظام)، در پایین دست بالای سگ، یعنی در پایین خارونا

نترج منکهوه: ههناکه، کهونا، کهومنه، کهمنهوه، کیمنهوه، ئیمنکه، هیمنکه، کهناسه، نهکیسا، سی
دهنگه، دهنگهسه، شهدهنگه، زهدهنگه، گندهشه، زندهگه، موسیقی، انبارمهمات، هرم سومی و بالایی،
خوروجا، ئهستیره‌ی مهنتک (منطقه)، در محل دست پایین، یعنی در پایین ستاره‌ی سریشو

و گهردوشه یا شیردوگه یا شیردوه یا دم شیر (شباهنک، سیروس) قرار دارد.

سر و دست سگ با دم شیر ترازوی ماشیخ سوشیانت را تشکیل می دهند. دم شیر یا گردوزه در سطح
پارسنگ و دوپای سگ صورت فلکی شکارچی است. گهردوز یا دادستان به معنای پایه ی ترازو
است. دو دست سگ هم دو کفه ی این ترازو را تشکیل می دهند. نام ستاره های این ترازو عبارتند از:
خارونا، حران و اورشلیم.

و " مشتو" یا مژدو، مهژدو، مهزدا دست راست مشته شده‌ی ماردوخ است که کارد آهنین را گرفته
است و بر شاه‌رگ گاو قربانی می زند و خون او را جاری می کند. این مشته در مقابل گوش گاو قرار
گرفته است. مشتو در علامت آبان یا تاومگرن، گیرتاوه یا عقرب قرار گرفته است.

اشعه ی زرین ئوتوس (پهرشیده) و دود سپید چرخنده‌ی انلیل (سیپار) و آب بهجوش آمده‌ی هانه
(چوئینی) و خاک سوخته‌ی دوموزید (مهششی)، آتش شعله‌ور سوریاش (گورتین) و باد گرم نرگال
(سورنا)... اینها پدیده‌های اولیه ی ناشی از انفجار گوتر یا گوهر یا ذره‌ی آفرینشی هستند.

تمامی اینها عناصر اولیه ی تشکیل دهنده‌ی طبیعت هستند. عنصر در زبان کردی شته، چیشته، چه‌شنه
است و مجموعه‌ی این شش عنصر در زبان کردی باستان ئاخشه‌چ، چه‌خشه، چه‌کوشه، شه‌خشه،

شه‌خشه، خاشه، خاسه، خاته، ئه‌خشه، په‌خشه، به‌خشه است که تجلی آن یک انسان تاجدار-عقاب-شیر است.



شش علامت مشتری است. و در میانه ی راه خورشید و زحل قرار دارد. یک روی آن به بوو یا خورشید و یک روی آن به زوو یا زحل است. آنجا گاودان یا آودان است. گاودان یا دلو یک چاه است. مشتری که گاودان زیر آن است در منطقه‌ی شمالی اش یک لکه ی چرخان سرخ به نام چرخو دارد. این لکه بر آب این چاه تاثیر دارد و جاذبه آن که "گهر دوز" یا دوزه‌گهره یا "زی ئودخورا" نام دارد آب را می چرخاند. این جاذبه بر کلاه ماردوخ منطبق است و در علامت میزان قرار دارد و پایه ی ترازوی عدالت است. فسر داخل این آب بر انفعالات این آب تاثیر دارد.

این فسر که یک ماده‌ی سفید، سیاه و سرخ سوزان و درخشان است تجلی همان سه گراز نرگال است که زنگ آهنین بر گردن دارند. فسر در ترکیب استخوان بسیار ضروری است و از اجزای مهم دی ان ای DNA است.

گوگرد مشتری بر آب این چاه تاثیر می گذارد و آن را زرد و بدبو می کند. گوگرد در حالت یون $+6$ پایدار است. شش عدد مشتری است! لقب آن گهنیوه یا گهنديما یا است. گوگرد در ساختار پروتئین ها و آمینواسیدها حضور فعالی دارد.

این آب با این کیفیات و ترکیبات که می چرخد به دو قطب تبدیل می شود و نر و ماده در آن متجلی می شود. همچنین سیاهی و سپیدی و گرمی و سردی. این سه جفت را همزادان می گویند. آنها اساس جنسیت را تشکیل می دهند.



پهخشه یا ماده‌ی مذاب (تجلی آن لاله ی آتشین یا دلیخون است) بر میانه‌ی دیوار و در دنیا یا ادن، نه‌نده، گهنجه، گهنزه افتاد. این ملغمه شوندو، سویدو یا دوتا، و میچه، خهیه، خهیمه، چادهر بود. چا یک گودال یا چالدو بود که در میانه‌ی دو بره یا بهرخا یا خاوهر ایجاد شده بود. شکل دایره‌ای چالدو یک نه‌لخه است. روی نه‌لخه دهرپوش یا چادهر است سمل آن گوساله یا دمه‌رئوتو یا درپوش است. در این چاه یک آب سرد به مقدار کم وجود دارد. نام آن گاویوه یا ناییوه، نایینه، چاوینه است. این آب اندک درخشان پوندووه، بوندووه، دووبون، یا پنته یا بنچه و بنه‌چهک نام دارد. یعنی دو پایه... این چاه در زیر ستون گوجان می یا ماه در قرار دارد و ماه در ته این چاه مماس می شود و تصویر آن بر این آب می افتد. دوپایه به دور خود می چرخد. این چرخش به شکل یک صلیب در داخل یک دایره نشان داده می شود. این صلیب همان بره ی دوسویه است. این دو سویه دوچاره یا دوچهره نیز نامیده می شود و تجلی سونن حاکم ماه است که در منزل مشتری نشسته است.

بره‌ی دوسویه بر گودان و در مسیر زوو(ازل، غرب) و بوو(ابد، شرق) نشسته است یعنی چپ و راست و روی او به کوردیلمون(شمال) و پشت او به شوردهوره(جنوب) است. گردش این آب به چاردهرو یا چهاردور است. جهت چرخش آن از چپ به راست یعنی از زوو به بوو است. زیرا حرکت از نور آغاز شد. همان وقتی که خدای خالق از وجود خود ذره ای کند و بر آن روح دمید. خدا نور مطلق است و پیرامون او تاریکی است. و خورشید در منظومه ی شمسی درخشانترین پدیده است و نشانه ای از نور خدا است.

از زوو تا کور زمستان از کور تا بوو بهار از بوو تا شور تابستان و از شور تا زوو پاییز است.

سوئین برادر نرگال و فرزند انلیل حاکم ماه در این چاه نگریست و چهره‌اش بر آب افتاد. جاذبه‌ی او در سیاهی و سفیدی روی او است. سیاهی او بر سوی چپ بره افتاد که در زوو قرار داشت و آن نرینه شد و سفیدی او بر سمت راست افتاد که در بوو قرار داشت و آن ماده شد.

نرینه نارونا سین یا نانارسوئن و مادینه مینیئن یا ئینیماشهو نام دارد.... ماه صفت مردانه دارد اما ماده‌شب یا مهتاب شب آن که ماه چهارده است ماده یا جلوه‌ی زنانه است. در این شب که پردیومر است سین یا کره‌ی ماه جلوه‌گری می‌کند. یعنی زیبایی مردانه با داشتن جلوه‌ی زن کامل و درخشنده است.